



بررسی موضع گیری بی سابقه اتحادیه اروپا درباره جزایر سه گانه ایران

## اروپا علیه اشغال گری؟

حمایت اتحادیه اروپا را در تایید ادعای خود درباره جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک به دست آورده اند. بی گمان این یک اقدام حساب شده و تلاش برای مشروع جلوه دادن ادعای امارات متحده عربی پیش از هرگونه اقدام نظامی برای اشغال جزایر ایران یا در گرماگرم درگیری نظامی میان اسرائیل و جمهوری اسلامی و یا در پی تضعیف توان نظامی ایران به دنبال تهاجم نظامی اسرائیل به ایران است. «او ادامه می دهد: «این امر مرا به یاد ماجرای جنگ کانال سوئز در اکتبر ۱۹۵۶ می اندازد که در گرماگرم تهاجم فرانسه و انگلستان به مصر، اسرائیل در یک حمله غافلگیرکننده از شرق به مواضع مصر در کانال سوئز حمله برد تا به اهداف آزیبش طراحی شده خود دست یابد. امیدوارم امارات متحده عربی و کشورهای حامی آن مرتکب چنین اشتباهی نشوند، چون بدون شک در این پروژه ی خود شکست خواهند خورد و روزگار ایران همیشه چنان نخواهد بود که آن ها از رویش را دارند.» در بخش دیگری از این مطلب تاکید شده است که اجلاس مشترک شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا و حمایت اتحادیه از ادعاهای امارات جزایر ما، آشکارترین نشان ناپهنگام بودن دیپلماسی دیرهنگام دولت مردان و دست اندرکاران سیاست خارجی است.

**سیدکمال خزای، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی** نیز در بیانیه ای با تبیین انگیزه های اتحادیه اروپا در حمایت از ادعای کشور امارات متحده عربی درباره جزایر سه گانه ایرانی، به مقامات امارات هشدار داد، در بخشی از این بیانیه دلایل موضوع دشمنانه اروپا در تحریم شرکت های هواپیمایی و در صدور بیانیه اخیر حمایت ایران از مقاومت فلسطین و حمایت اروپا از رژیم اشغالگر فلسطین عنوان شده است: «مواضع اتحادیه اروپا در مورد جزایر سه گانه فاقد هرگونه ارزش حقوقی است و صرفاً موضعی سیاسی برای جذب کمک ها و منابع مالی کشورهای شروتمند خلیج فارس، به خصوص امارات متحده عربی، برای جبران هزینه های سنگین مشارکت آن هادر جنگ اوکراین است. حقوقدانان آن ها به خوبی می دانند که وقتی استعمار انگلیس در سال ۱۹۷۱ دست از اشغال منطقه، از جمله جزایر سه گانه برداشت و کشورهای جدیدالتاسیسی چون امارات و بحرین پدیدار شدند، جزایر سه گانه را نیز به صاحب اصلی آن یعنی ایران سپرد، زیرا همه نقشه های تاریخی حکایت از تعلق این جزایر به ایران داشت و انگلیس نمی توانست کاری جز آن کند.» در بخش دیگری از این بیانیه تاکید شده که اسناد و مدارک مربوط به تعلق جزایر سه گانه به ایران به قدری محکم و گویاست که چنین بیانیه هایی که با انگیزه جذب منابع مالی دیگران صادر می شود، هیچ خللی در موضع قاطع ایران مبنی بر تعلق آن جزایر به ایران و مصمم بودن نیروهای مسلح ایران در دفاع از تمامیت ارضی خود ایجاد نمی کند.

**حزب اتحاد ملت** هم در محکومیت موضع مشترک اروپا و شوروی همکاری خلیج فارس درباره جزایر سه گانه ایران بیانیه ای صادر کرد: «بیانیه مشترک اخیر شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا در حالی صادر شد که بار دیگر ادعاهای بی اساس درباره تمامیت ارضی ایران در آن گنجانده شده بود. متأسفانه در سال های اخیر، شاهد تکرار این سخنان بی پایه به مالکیت ایران بر جزایر سه گانه را هدف قرار می دهند، بوده ایم. هر چند کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس پیش از این نیز ادعای واهی اشغال این جزایر را مطرح کرده بودند، اما این نخستین بار است که این اظهارات غیرواقع بینانه و گستاخانه از زبان مجموعه ای کشوری خارج از این گروه شنیده می شود. حزب اتحاد ملت ایران اسلامی، این اقدام و گستاخی شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا را با شدیدترین لحن محکوم می کند.»

در ادامه این بیانیه نکاتی مورد تاکید قرار گرفته است: «جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، بخشی همیشگی از خاک ایران هستند و طرح ادعای اشغال آن ها بی معنی است. تمامیت ارضی کشور که با فداکاری دلیرانه ایرانیان حفظ شده است، خط قرمز غیرقابل گذشت همه جریان های فکری و سیاسی داخلی با هر گرایش محسوب می شود و این مبنای مشترک، قابل خدشه نیست. این موضع، در عین احترام به مرزهای بین المللی تمام کشورهای است. همان طور که تمامیت ارضی اوکراین قابل احترام و تجاوز به مرزهای این کشور محکوم است، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای نیز باید



شادی مکی

گزارشگر هم میهن

«اشغال» و از ای است که روز چهارشنبه بیانیه پایداری نشست مشترک مقامات اتحادیه اروپا و شورای خلیج فارس برای توصیف وضعیت ایران و جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی به کار بردند و ایران را متهم به اشغالگری در جزایر خود کردند. اگر چه حاکمیت بر این سه جزیره همواره محل مناقشه میان تهران و ابوظبی بوده است. بند ۴۶ این بیانیه از ایران خواسته است اصول منشور ملل متحد را مورد احترام قرار دهد: «ما از ایران می خواهیم به اشغال سه جزیره امارات متحده عربی شامل تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی پایان دهد چرا که نقض حاکمیت امارات و اصول منشور سازمان ملل متحد است.» همچنین در این بیانیه ادعا شده که این جزایر به امارات متحده عربی تعلق دارد و حاکمیت ایران بر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی «تخلف» است. در ادامه این بیانیه اهمیت مشارکت دیپلماتیک با ایران برای کاهش تنش منطقه ای و تضمین ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای ایران مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین از ایران خواسته شده که گسترش موشک های بالستیک و هواپیمای بدون سرنشین و هر نوع فناوری تهدیدکننده امنیت منطقه و خارج از آن را متوقف کند.

اگر چه موضع گیری کشورهای فعال در جامعه بین المللی نسبت به این موضوع مسبقاً به سباقه بوده با این حال این نخستین بار است که دول خارجی در این خصوص اقدام به قضاوت و اتهام زنی نسبت به ایران کرده اند؛ مسئله ای که ابهام برانگیز بوده و حتی سطح بالای روابط اقتصادی و سیاسی میان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و ۶ کشور جنوب خلیج فارس هم نمی تواند توجیهی برای این حمایت و دخالت آشکار اتحادیه اروپا از یک ادعا باشد.

### واکنش های ادعای اخیر

**سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران** در واکنش به مواضع تند این بیانیه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «بخش ایران در بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس پیام های زیادی در خود دارد. از نظر ما، روشن است که مسیر همکاری با احترام، که از سوی ما در ملاقات های مختلف، از جمله در نیویورک به آنها پیشنهاد شد، اکنون با تمایل اروپا برای «تقلیل» پاسخ داده شده است؛ از طریق تحریم پروازهای مسافری و ایراد اتهام عبث «اشغال گری» به ایران! جزایر سه گانه همیشه متعلق به ایران بوده اند و تا بد نیز چنین خواهد بود. دوران سیاست خبیثانه «تفرقه بینداز و حکومت کن» اروپایی هادر منطقه ما مدت های مدیدی است که به سر رسیده است.»

**اسماعیل بختانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران** هم تاکید کرد که جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بخش لاینفک ایران زمین بوده و خواهد بود: «استفاده از مفاهیم و گزاره های انحرافی با تکرار ادعاهای نادرست و گمراه کننده در مورد این بخش مهم از سرزمین ایران هیچ تغییری در واقعیت امر ایجاد نمی کند. جمهوری اسلامی ایران، جزایر یادشده را جزء جدانشدنی از سرزمین ایران دانسته و ضمن احترام به اصول منشور ملل متحد و رعایت اصل حسن همجواری، حاکمیت ملی و صلاحیت های حاکمیتی خود را در قبال جزایر ایرانی مورد نظر اعمال می کند.»

**حمید احمدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران** نیز در مطلبی با عنوان «احتمال تکرار تجربه جنگ کانال سوئز در ۱۹۵۶» می نویسد: «در حالی که جمهوری اسلامی درگیر بحران های منطقه ای مربوط به جهان عرب شده و در نتیجه ی آن، جهان در انتظار کشمکش بزرگ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل است، برخی همسایگان جنوبی ما که سال ها است مدعی حاکمیت بر جزایر تاریخی ایران در خلیج فارس هستند از فرصت استفاده کرده و علاوه بر چین و روسیه اینک به گونه ای بی سابقه

### تحلیل واکنش دولت لبنان

**احمد زیدآبادی، روزنامه نگار و تحلیلگر مسائل منطقه** در واکنش به اظهارات دولت لبنان نوشت: «نجیب میقاتی، سرپرست نخست وزیر لبنان از اعلام آمادگی محمدباقر قالیباف رئیس مجلس ایران برای گفت و گو با دولت فرانسه در مورد اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت برآشفته شده و آن را دخالت در امور داخلی لبنان دانسته است. اگر لبنان حاکمیت درست و درمائی داشت و در مقام عمل با سطحی از بی دولتی روبه رو نبود، اعتراض آقای میقاتی را می شد موجه دانست. لبنان اما همانطور که آشکار است، سالیان درازی است که از فقدان حاکمیت لازم رنج می برد و این کشور کوچک و مظلوم صحنه قابت فرقه های داخلی و نفوذ و دخالت کشورهای خارجی شده است. در حال حاضر، آمریکا، فرانسه، عربستان، امارات، مصر و به تازگی ارمن، درگیر مسائل داخلی لبنان هستند و همگی هم در جهت اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت تلاش می کنند. در کنار آنها، سوریه هم که هنوز داعیه پدرخواندگی خود را در برابر لبنان ها نکرده است. از آن طرف اسرائیل نیز در پی ایجاد ترتیبات امنیتی مورد نظر خود در لبنان است. با این وضع، اعلام آمادگی رئیس مجلس ایران برای گفت و گو با فرانسه بر سر اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ با توجه به نفوذ غیرقابل انکاری که جمهوری اسلامی بر حزب الله و جنبش امل دارد، گناه خیلی بزرگی نیست که نیاز به واکنش علنی و شدید آقای میقاتی داشته باشد! از قضا این موضوع می تواند به اعاده ثبات و تحکیم حاکمیت لبنان و نجاش آن از بی دولتی عملی کنونی کمک کند.»

**صابر گل عنبی، کارشناس مسائل خاورمیانه** نیز در یادداشتی تلگرافی نوشت: «در بحبوحه جنگ لبنان، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با روزنامه فرانسوی لوفیگارو گفت و گوی اختصاصی داشته که بخشی از آن بازتابی منفی در منطقه و به ویژه لبنان پیدا کرده است. این روزنامه به نقل از قالیباف از اعلام آمادگی تهران برای مذاکره با پاریس در مورد اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت درباره لبنان خبر داده است. این گفته بر لبنان چنان سنگین آمده است که نخست وزیر دولت متشکل از حزب الله و متحدانش را برآشفته و به واکنش سریع واداشته است، تا جایی که از وزیر خارجه لبنان خواسته است که کاردار سفارت ایران را احضار و نسبت به این موضع اعتراض کند، هنوز واکنش تهران روشن نیست، اما بعید نیست روزنامه متهم و اعلام شود که اظهارات قالیباف به درستی نقل نشده است. نجیب میقاتی، سخنان رئیس مجلس شورای اسلامی ایران را «مداخله آشکار» در امور داخلی لبنان «تلاشی برای تثبیت قیمتت (وصایت) غیرقابل قبول» بر این کشور توصیف کرده و گفته است: «ما به وزیر خارجه ایران و رئیس مجلس شورای اسلامی در سفرهای اخیر خود به لبنان ضرورت درک وضع لبنان را اطلاع دادیم؛ به ویژه که لبنان در معرض تجاوز بی سابقه اسرائیل قرار دارد و ما با همه دوستان لبنان از جمله فرانسه در حال فشار بر اسرائیل برای آتش بس هستیم.»

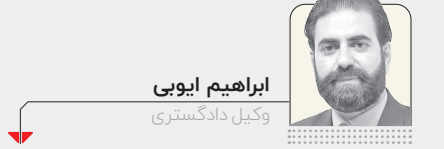
میقاتی همچنین تاکید کرده است که مذاکره درباره این قطعنامه صرفاً از جانب دولت لبنان باید انجام شود و دیگر طرف ها جا دارد از آن حمایت کنند. این سخنان در مصاحبه با لوفیگارو (به فرض صحت نقل) دستمایه فشار سنگینی از جانب مخالفان داخلی بر حزب الله در این جنگ خواهد بود. موضع گیری سریع میقاتی هم از این منظر قابل تأمل است.»

### نگاه حقوقدان

## گواهینامه موتورسیکلت برای زنان و تکلیف دولت به اصلاح قانون

از قوانین و ضوابط مربوطه منع نشده است؛ ثالثاً، بر اساس ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی که چنین بیان نموده «صدور گواهینامه رانندگی برای مردان بر عهده سازمان نیروی انتظامی کشور است» به این معنی نیست که صدور گواهینامه رانندگی برای بانوان خارج از مسئولیت نیروی انتظامی است؛ رابعاً، رانندگی موتورسیکلت برای زنان بایستی حتماً تحت نظر یک مرجع نظارتی باشد تا بتواند نسبت به صلاحیت های تخصصی آنان تصمیمات بهتری اتخاذ نماید. از دیدگاه ما هیچ مرجعی بهتر از نیروی انتظامی کشور نمی تواند چنین مسئولیتی را به بهترین شکل ممکن انجام دهد.» صرف نظر از قوت و ضعف استدلال دادگاه: این رأی در مرجع تجدیدنظر دیوان عدالت اداری نقض شد.

حالا چه باید کرد؟ به نظر می رسد قانون گذار قصد داشته که برای بانوان گواهینامه موتورسیکلت صادر نشود، امروزه این رویکرد پذیرفتنی نیست. در شهرهای کوچک و بزرگ زنان برای آمودشده از موتورسیکلت استفاده می کنند. حتی بارها در تهران شاهد بودم که یک خانم وکیل دادگستری از موتورسیکلت پیاده شد و موتور خود را کنار پیاده روی پارک، چرخ ها را اقل کرد و با کیف چرمی به سمت مجتمع قضایی رفت. در روستاهایی که زنان در بخش کشاورزی فعالیت دارند، موتورسیکلت وسیله ای مفید برای رفت و آمد به مزرعه یا حمل محصولات کشاورزی در بازارهای محلی است. بهترین پیشنهاد، ارائه لایحه ای از سوی دولت برای اصلاح قانون است. این نفع تنها اختیار، بلکه تکلیف دولت به شمار می رود؛ زیرا بند ۹ اصل سوم «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در مقام بیان اهداف دولت به «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی» اشاره دارد. اصل ۲۰ با صراحت بیشتری بیان می دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند...». جدا از اینکه رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است؛ از خاتم زهرا بهررواژر در مقام معاون زنان و خانواده دولت چهاردهم انتظار می رود که پیش قدم شده و پیش نویس لایحه برای دولت تهیه کند. حتی اگر مجلس لایحه را به تصویب نرساند، اهمیتی ندارد، مهم این است که پزشکبان برای تحقق وعده های خود به زنان سعی اش را کرده باشند. ممکن است گفته نشود در صورت موافقت مجلس شورای اسلامی نیز مصوبه از نظر شرعی، مورد تأیید قضای شورای نگهبان قرار نخواهد گرفت؛ جدا از اینکه منع صریحی برای این موضوع در آیات و روایات دیده نمی شود (بانوان در تاریخ اسلام از مرکب های آن زمان همچون اسب و شتر استفاده می کردند و این رفتار، مورد منع پیامبر و امامان شیعه قرار نگرفته است)؛ در صورت مخالفت احتمالی این نهاد، راه مجمع تشخیص مصلحت برای رانندگی دولت و تأیید مصوبه، باز خواهد بود.



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

هفته گذشته در خبرها آمد که وزارت کشور در پاسخ به استعلامی مربوط به صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان که در سامانه «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» انجام گرفت: پاسخ می دهد که تکلیف قانونی برای صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان وجود ندارد. از نظر تاریخی حتی پس از ورود تور چرخ به ایران، برای این وسیله نقلیه گواهینامه ای با نام «صدیق رانندگی با دو چرخه» صادر می شد. پس از آمدن موتورسیکلت و خودرو، قوانین و مقررات مربوط به راهنمایی و رانندگی، رانند این وسایل نقلیه موتوری را نامزد داشتن گواهینامه می دانند. در حال حاضر «قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی» مصوب ۸ اسفندماه ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی به موضوع می پردازد. در ماده ۱ حوزه قانون این گونه تعریف شده است: «کلیه رانندگان، سرنشینان وسایل نقلیه، متصدیان حمل و نقل زمینی، غایرین پیاده و فعالان در حوزه حمل و نقل و عبور و مرور مشمول این قانون می باشند». در ادامه و در بند (ج) ماده ۱۰ می خوانیم: «در صورتی که راننده بدون داشتن گواهینامه مبادرت به رانندگی نماید وسیله نقلیه متوقف و راننده به مرجع قضایی معرفی می گردد.» نکته بحث رانندگی در تبصره ماده ۲۰ قانون آمده: «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است». خلاصه اینکه: رانندگی موتورسیکلت گواهینامه می خواهد، این گواهینامه فقط برای مردان صادر می شود و در نهایت رانند موتورسیکلت بدون گواهینامه، جرم بوده و وسیله نقلیه نیز توقیف خواهد شد.

سال ها پیش یک بانوی مقیم اسفهان دادخواستی در دیوان عدالت اداری طرح نمود تا مقامات ا لازم به صدور گواهینامه موتورسیکلت کند. در مرحله نخستین، دادگاه با این استدلال به نفع او رأی داد: «اولاً، تنها مرجع واجد شرایط برای صدور انواع گواهینامه رانندگی برای زنان و مردان، تنها سازمان و ارگان نیروی انتظامی (پلیس ناجا راهور و پلیس راهنمایی و رانندگی) می باشد و به غیر از این سازمان هیچ نهاد دیگری حق دادن چنین رأیی را ندارد؛ ثانیاً، از آنجایی که رانندگی برای تمامی بانوان جامعه ایران همانند بسیاری ممالک پیشرفته دیگر اعم از رانندگی خودروهای سبک و سنگین، رانندگی موتورسیکلت و یا سایر وسایل نقلیه عمومی در هیچ یک